



ویسواوا شیمبورسکا

هیچ چیز دوبار اتفاق نمی افتد

— مجموعه شعر —

ترجمه‌ی ملیحه بهارلو

شعر جهان ...

فهرست

۹	پیش‌گفتار.....
۱۳	نمایشگاه معجزه.....
۱۶	درباره‌ی مرگ، بدون اغراق.....
۱۹	چند کلمه درباره‌ی روح.....
۲۲	نفرت.....
۲۵	سختی زندگی با خاطره.....
۲۸	در ستایش خواهرم.....
۳۰	در ستایش منفی‌بافی در مورد خود.....
۳۲	دنیای واقعی.....
۳۵	زندگی، هنگامی که منتظری.....
۳۸	زیر یک ستاره‌ی کوچک.....
۴۱	انقراض قرن.....
۴۴	بچه‌های نسل ما.....
۴۷	مُردن از گرسنگی در اردوگاهی در یسوو.....
۵۰	شکنجه.....
۵۳	تروریست تماشا می‌کند.....
۵۶	ویتنام.....
۵۸	شناسایی.....
۶۰	سه کلمه‌ی خیلی عجیب.....
۶۱	۱۶ مه ۱۹۷۳.....
۶۴	بعضی‌ها شعر را دوست دارند.....

۶۶	چند کلمه درباره‌ی آمار
۶۹	عشق در نگاه اول
۷۲	یادداشت تشکر
۷۵	هیچ چیزی هدیه نیست
۷۷	لبخندها
۸۰	فهرست
۸۳	هیچ چیز دوبار اتفاق نمی‌افتد
۸۵	یک یادداشت
۸۷	فیلمی از دهه‌ی شصت
۹۰	من به تمامی نخواهم مُرد
۹۲	عشق واقعی
۹۵	مهربانی نابینایان
۹۷	خاموشی گیاهان
۱۰۰	عکسی از جمعیت
۱۰۲	کوله‌بار سفر
۱۰۵	دختر کوچک رومیزی را می‌کشد
۱۰۷	همه چیز
۱۰۸	گزارشی از بیمارستان
۱۱۰	می‌توانست
۱۱۲	عشق اول
۱۱۴	نگاتیو
۱۱۶	در ستایشِ رویا
۱۱۹	ما خوب و بد دنیا را شناختیم
۱۲۰	چاله‌های آب
۱۲۲	ساعت چهار صبح
۱۲۴	ABC
۱۲۵	مونولوگ یک سگِ گرفتار در دام تاریخ
۱۲۹	چشم‌انداز
۱۳۱	زندگی آرام با یک بادکنک
۱۳۴	بی‌نوشت‌ها

نمایشگاه معجزه

برای علی که هنوز معجزه‌ی زندگی را باور دارد...

معجزه‌ی معمولی:

این‌که معجزه‌های معمولی زیادی اتفاق می‌افتند.

یک معجزه‌ی متداول:

پارس سگ‌های ناپیدا

در خاموشی شب.

یک معجزه از بین معجزه‌های زیاد دیگر:

یک ابر کوچک سبک

که می‌تواند یک ماه بزرگ و سنگین را بپوشاند.

چندتا معجزه در یکی:

عکس یک درخت توسکا در آب افتاد،

و این‌که درخت، وارونه است، از چپ به راست،

و این که آن جا رشد می کند، با سرِ روبه پایین
و هیچ وقت هم به کف آب نمی رسد،
هر چند آب، کم عمق است.

یک معجزه‌ی هرروزه:
بادهای خیلی ملایم،
موقع توفان، توفانی می شوند.

اولین معجزه در بین معجزه‌های شبیه هم:
گاوها، گاوند.

دومین معجزه که شبیه هیچ کدام نیست:
این باغ،
فقط از آن دانه بارور می شود.

یک معجزه، بدون شنل و کلاه:
کبوترهای سفید پراکنده.

یک معجزه که هر اسمی می توانی روی آن بگذاری:
امروز، خورشید ساعت سه و چهارده دقیقه طلوع کرد
و هشت و یک دقیقه غروب خواهد کرد.

یک معجزه که آن قدر که باید، تعجب آور نیست:
اگرچه دست، کمتر از شش انگشت دارد،
ولی هنوز هم بیشتر از چهار انگشت دارد.

یک معجزه، برای این که نگاهی به اطراف بیندازی:
دنیا، همه جا هست.

یک معجزه‌ی اضافی، مثل همه چیز که اضافی است:
چیزی که غیر قابل فکر کردن است،
قابل فکر کردن است.